

يادداشت:

سایت انترنیتی روزنامه لو فیگارو چاپ فرانسه مصاحبه سه تن از روزنامه نگاران ایزابل لاسر، کارولین دو مالت و فیلیپ ژیلی را که اخیراً با میخائیل گورباچف آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی در شهر ژنو انجام داده اند، تحت عنوان از سومین جنگ جهانی جلوگیری شد به نشر سپرده است. در قسمتی از این مصاحبه، میخائیل گورباچف، در رابطه به چگونگی تشکیل طالبان و درمورد دولیکه در ایجاد نهضتی بنام طالبان، قبل از سقوط حکومت نجیب الله، تلاش نموده اند اشاره ای نموده است که جالب و خواندنیست.

۲۰۰۹/۱۰/۱۸ م

مترجم: محمد قاسم هاشمی

از سومین جنگ جهانی جلوگیری شد مصاحبه اختصاصی

سایت روزنامه لو فیگارو چاپ فرانسه ۱۴ اکتوبر ۲۰۰۹

آخرین رئیس جمهور اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی تفصیلات شخصی خویش را در رابطه به حوادثی که به فرو ریختن دیوار برلین و از همپاشی بلاک کمونیستی انجامید بیان داشته میگوید که در مورد او، پوتین و میدودوف چگونه میانیدشد:

سؤال:

بیست سال قبل، شما در هنگام فرو ریختن دیوار برلین قدرت را در اتحاد شوروی بدست داشتید. شما چنین حادثه ای را پیشبینی مینمودید و یا اینکه چنین یک واقعه ای برای شما غیر منتظره بود؟

جواب:

برای من در آن هنگام، خیلی دشوار میبود اگر فروریزی دیوار برلین را منحیث یک حادثه غیر منتظره میپذیرفتم. این حوادث نتایج پروسه درازی بودند: مدت طولانی ای بود که من در رأس قدرت قرار داشتم و از شکل گیری اوضاع آگاهی کامل داشتم. زمانیکه من در رأس اتحاد شوروی قرار گرفتم، پنداشتن اروپا منحیث خانه مشترک ما یکی از سنگ بنا های دید من نسبت به جهان را تشکیل میداد. از جانب دیگر، من ضمن یکی از سفر هایم به فرانسه، پیشنهاد نموده بودم که ما این خانه مشترک را میسازیم و اتحاد مجدد دو آلمان بخشی از این طرز دید بود. اتحاد دو آلمان امر ممکن بود؛ زیرا این امر به تعقیب یکسلسله دگرگونی های بزرگ در اتحاد شوروی، اروپای مرکزی و شرقی در ساحه روابط با کشورهای غربی و بخصوص با اضلاع متحده امریکا، کشوریکه روابط ما با او خیلی تیره بود، واقع میشد. زمانیکه من در رأس اتحاد شوروی قرار گرفتم، مسئولین اتحاد شوروی و امریکا از شش سال تا آنزمان با هم ندیده بودند. چند سال بعد تر ما این حالت را تغییر دادیم و مجموع همین تحولات بود که موجبات امکان اتحاد دو آلمان را فراهم نمود. در سال ۱۹۸۹، در جریان سفرم به جمهوری دموکراتیک آلمان به مناسبت چهلمین سالگرد جمهوری آلمان شرقی، من از آنچه مشاهده مینمودم، شگفت زده شده بودم. من برای مدت طولانی ای با رئیس جمهور هیریش هونیگر گفتگو نمودم و او مرا مبهوت ساخته بود. فکر میکردم او از آنچه میگردد آگاهی ندارد، یا اینکه او پروسه ای را که در جریان بود و به وضاحت تمام در مسأله اتحاد آلمان خلاصه میشد نمیخواست بپذیرد. راهپیمایی بزرگی بود که در آن بیست و هشت ولایت جمهوری دموکراتیک آلمان اشتراک ورزیده بود. جوانانیکه در تظاهرات شرکت نموده بودند، شعارهایی را سر میدادند که مبین آن بود که کشور در جوش و خروش است که عنقریب دگرگونی های بزرگی در آن واقع خواهد شد.... صدراعظم پولند، میزبیسلاو راکوسکی به من نزدیک تر شده از من پرسید که آیا من آلمان را درک میکنم. من جواب دادم: کاملاً برای دانستن آنچه پلاکارد ها و شعارها میگویند. او به من گفت: آیا این پایان است؟ من گفتم: بلی.

سؤال:

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

شما چگونه فکر میکنید، آیا تقریباً همان واقع شد که شما پلان آنرا طرح نموده بودید؟

جواب:

خیر، من پلان آنرا طرح ننموده بودم. از جانب دیگر، در جون ۱۹۸۹، یعنی هنگام که من مصرف دیدار از جمهوری دموکراتیک آلمان بودم، پس از مذاکره با هلمود کهول، یک روزنامه نگار از من پرسید که آیا ما در مورد مسأله آلمان نیز صحبت نمودیم. من جواب دادم که بلی. من گفتم که تقسیم آلمان یک میراث تاریخ بود، میراث جنگ جهانی دوم. مگر این مکلفیت تاریخ بود تا میگفت چه چیزی واقع خواهد شد. خبرنگاران خرسند به نظر نمی آمدند و با اصرار از من پرسیدند که اتحاد مجدد چه زمانی واقع خواهد شد. من پاسخ دادم که احتمالاً این مسأله در قرن بیست و یکم حل خواهد شد و این تاریخ است که تصمیم خواهد گرفت. میبینید، موقف من در چند ماه قبل از فرو ریختن دیوار چین بود... و بعداً تغییرات در اتحاد شوروی، اروپای مرکزی و شرقی آغاز شد: **انقلاب مخملین**، روابط تازه با اضلاع متحده آمریکا، خلع سلاح. این همه باعث وقوع رویداد های مهم شد، باوجود آنکه جمهوری دموکراتیک آلمان هنوز حیثیت یک جزیره در میان این بحری از تغییرات را داشت.

سؤال:

آیا شما میل داشتید که به منظور جلوگیری از حرکت هائیکه در اروپای شرقی به راه انداخته شده بود، به زور متوسل شوید؟

جواب:

شما میدانید، در سال ۱۹۸۵، زمانیکه سلف من، کونستانتین چیرنینکو، دیده از جهان بست، رهبران کشور های عضو پیمان وارسا، به منظور اشتراک در مراسم تدفین به مسکو آمده بودند. همه در دفتر من جمع شده بودیم. من ضمن تشکر به ایشان گفتم که ما آنچه را انجام نخواهیم داد که روابط ما را با شما دشوار سازد. ما تعهدات خویش را رعایت میکنیم، مگر شما مسئول سیاست خود و کشور خود استید و ما مسئول سیاست خویش و کشور خویش. من در همان سال ۱۹۸۵ وعده نموده بودم که ما دیگر مداخله نخواهیم نمود و هرگز مداخله نکردیم. اگر ما مداخله مینمودیم، شاید امروز من در اینجا با شما نمیبودم... و این چیز است که من با اطمینان به شما میگویم.

سؤال:

شما چه فکر میکنید، چه واقع میشد؟

جواب:

شاید ما شاهد جنگ سوم جهانی میبودیم... در آنزمان، اروپا مملو از سلاح های ذروی بود، تقریباً دومیلیون نظامی در دو طرف قرار داشت... تصور نمائید که اگر ما به زور متوسل میشدیم، چه واقع میشد....

سؤال:

شما در آنزمان، آینده اتحاد شوروی را چگونه میدیدید؟

جواب:

دید من همان بود که مارا به تغییرات دموکراتیک، به باز شدن کشور ما، به اصلاحات نظام و اقتصاد ما، به اعاده آزادی حرکت به مردم ما و به ترویج آزادی بیان و دین و اداشت. در آن زمان، من هیچ تردیدی نداشتم، من میدانستم که این راهیست که باید آنرا پیمود، من باور داشتم که بدینگونه میتوان اتحاد شوروی را حفظ کرد. مگر پس از انتخابات آزاد سال ۱۹۸۹، شاهد عکس العمل های وحشیانه ای بودیم که در درون حزب کمونیست در مخالفت با اصلاحات انجام میشد. حزب به دو شاخه منشعب شده بود. باوجودیکه ۸۴ فیصد نمایندگان پارلمان را اعضای حزب کمونیست تشکیل میداد، **نومن کلاتیوره** (اصطلاح روسی که به نخبگان حزب کمونیت اطلاق میگردد **مترجم**) انتخابات را باخت. من تمام دلایل را برای ایقان آنها داشتم تا اکثریت از **پرسترویکا** (بازسازی) پشتیبانی نمایند. مگر این امر از تلاشهای نومن کلاتیوره که چندین بار برای سرنگونی و عزل من در جریان شورای عالی تلاش ورزیده بود، جلوگیری نمیکرد. مخالفین پرسترویکا توانائی رویارویی قانونی و سیاسی را با ما نداشتند و بنا به همین دلیل، آنها کودتایی را در سال ۱۹۹۱ سازمان دادند. ما خطر را دست کم گرفته بودیم. میبایست ما با قاطعیت بیشتر بخاطر جلوگیری از آن عمل مینمودیم. فکر میکنم که مدافعین پرسترویکا که من هم یکی از آنها هستم، بسیار مطمئن بودیم، ما باور داشتیم که ما راه درستی را انتخاب نموده ایم. در آن زمان ما برنامه ای را بخاطر بهبود شرایط اقتصادی اتحاد شوروی آماده نموده بودیم. این برنامه از طرف تمام جمهوری ها حتی جمهوریهای بالتیک (ستونی، لیتونی، لیتوانیا **مترجم**) نیز پشتیبانی میشد. در اوایل ماه اگست، ما همچنان موافقتنامه جدیدی را برای اتحادیه آماده نمودیم. در

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

نوامبر سال ۱۹۹۱ ما خواستیم کنگره را به منظور اصلاحات حزبی دایر نمائیم. ما فکر میکردیم که در چنین شرایطی هیچکسی نمیخواهد کودتای را سازماندهی نماید، مگر، متأسفانه آنها چنین کردند و بعضی از آنها تیکه کودتا را سازمان داده بودند، از اطرافیان من و از حلقه بسیار نزدیک به من بودند.

سؤال:

حسرت خوردن به امپراتوری اتحاد شوروی را که امروزه در رده های بالایی قدرت و در میان عوام هویداست، چگونه توضیح مینمائید؟

جواب:

من اوضاع را درک میکنم. به نظر من نباید در مورد این تمایل مبالغه کرد. مطابق به نظرسنجی ای که در سال ۲۰۰۵ به مناسبت بیستمین سالگرد پرسترویکا انجام یافت، به نظر ۵۵ درصد از مردم تغییرات ضروری بوده اند؛ در حالیکه در ده سال قبل، طرفداران تغییرات در اقلیت قرار داشتند، دو سوم روسها از انتخابات آزاد، اقتصاد بازار و آزادی حرکتها (سیاسی)... پشتیبانی مینمایند.

سؤال:

بلی، مگر امروزه استالین بیشتر از دیروز، در میان مردم محبوبیت دارد...

جواب:

فکر نمیکنم. درست است که بعضی ها با تصاویر استالین در سرکها به تظاهرات میپردازند. این موضوع مبین آن است که روسیه تا کنون در رابطه به تغییرات کاملاً پیروز نگردیده است، مگر این چیز است که ما آنرا از قبل میدانستیم. هر چه باشد، بازگشت به گذشته نخواهد بود. ما به عقب بر نمیگردیم. چنین چیزی واقع نخواهد شد.

سؤال:

در مورد سیاست دوره رهبره میدویدوف و پوتین قضاوت شما چیست؟ آیا این دو مرد، روسیه را در مسیر مثبت سوق داده اند؟

جواب:

اولین دوره ریاست جمهوری پوتین تا اندازه ای مثبت بود: او به تجزیه روسیه که فوق العاده خطرناک بود، پایان بخشید، او به اوضاع ثبات بخشید. حد اقل برای همین موضوع جایز را در تاریخ خواهد داشت. مگر مشکل اساسی اینست که من تلاش واقعی او را در تجددگرائی نمیبینم. باتوجه به افزایش قیمت نفت، شرایط مساعدی وجود داشت... مگر سؤال من متوجه نحوه استفاده از میلیونها دلار نیست که از فروش نفت بدست آمده بود. فکر میکنم آنها به دوستان خویش اجازه آنرا دادند تا قصر ریاست جمهوری فرانسه و متباقی آن کشور را بخرند... شوخی کردم. مگر به نظر من یک قسمت زیادی از این پولها بیهوده به مصرف رسیده و برای مدرنیزه کردن کشور بکار نرفته است. لازم بود تا از قبل شرایط اقتصادی بهبود میافت، روسیه مدرنیزه و همچنان دموکراتیک میشد. آنها از یکسو آتش را فرونشاندند و از جانب دیگر مرتکب اشتباهات شدند.

سؤال:

په نظر شما، مشکل اساسی از سیاست اقتصادی ناشی میشود یا از فساد؟

جواب:

آنچه برای کشور لازم است، ایجاد یک سیستم جدید، یک طرح جدید برای انکشاف است، و برای اساس گذاری آن باید در عمق فساد داخل شد. میپذیرم که فعلاً زمان آن نیست، ولی اگر زنده بودیم خواهیم دید.

سؤال:

فکر میکنید که میدویدوف و پوتین دست دراز شده از جانب اوپاما را خواهند گرفت؟

جواب:

این تنها اوپاما نیست که اساس روابط روس و امریکا را تشکیل میدهد. مگر او انسان جدی ای است که شرایط بحران را درک میکند و به نفع خلع سلاح هسته ای مبارزه نموده تدابیری را در ارتباط به مسأله محیط زیست اتخاذ مینماید.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

او طرف مذاکره خوبی برای رهبران ماست. زیرا نظریات رهبران ما نیز با او در ارتباط با مسایل متذکره مشابه است. من نسبت به رئیس جمهور امریکا احساس مثبتی دارم، و، بلی، من باور دارم که روسیه نیز میخواد چنین چنانسی را داشته باشد. مگر هیچکسی آینده را پیشبینی کرده نمیتواند....

سؤال:

شما در سال ۱۹۹۰ جایزه نوبل صلح را دریافت نمودید. چه فکر میکنید، جایزه ای که به او با ما اعطا شد قبل از وقت بود و یا او شایستگی آنرا داشت؟

جواب:

من طی نامه ای به او تبریک گفتم. من گفتم که این یک انتخاب خوبی بود؛ زیرا من خود را به طرز دید او نسبت به جهان نزدیک احساس مینمایم. برای توجیه آن بر اوست تا قاطعیت بسیار، نفوذ و صلاحیت بین المللی و توانایی گفتگو و ارتباط را داشته باشد. برایش موفقیت آرزو مینمایم.

سؤال:

شما نیرو های روسی را از افغانستان خارج نمودید. بیست سال بعد او با ما در حال اتخاذ تصمیم در مورد اعزام نیروی کمکی به آنکشور است، به او چه مشوره میدهید؟

جواب:

ما از آنچه که او با ما مشابه آن در افغانستان مواجه است، عبور نمودیم. بر ما نیز لازم بود تا استراتژی و سیاست خویش را دوباره از نظر بگذرانیم. فکر میکنم که هدف نهائی امریکائی ها را اخراج نیروهای آنها باید تشکیل دهد. مگر من سفارشی به او ندارم، بدون شک بهتر آن بود که در آنجا داخل نمیشد.... زمانیکه ما از افغانستان خارج میشدیم، امریکائی ها با پاکستانیها برای ایجاد طالبان کار مینمودند. در حالیکه برای ما از کشور آزاد، با ثبات و دارای روابط حسنه با هر دو ملت های ما اطمینان داده بودند.... امروز آنها حاصل درو میکنند. از سوی دیگر من میپذیرم که عمل در برابر هسته تروریسم ضروری بود....

سؤال:

شما که در رأس سازمان غیر دولتی گرین کروس (صلیب سبز) قرار دارید، آیا به اجلاس جهانی که قرار است در کوپن هاگ در رابطه به گرمایش اقلیم دایر شود، اعتماد دارید؟

جواب:

میخواهم باور داشته باشم که این مرحله فوق العاده مهمیست، همه چیز در جهت مثبت آن در حرکت است. کارهای مقدماتی جدی ای صورت گرفته است. مشکلات محیط زیست بر ما فشار میآورد تا باید تدابیری را به منظور جلوگیری از فاجعه و به منظور گریز از مصیبت رویدست گیریم. نباید درجه حرارت سیاره ما بیش از ۲ فیصد بالاتر شود، با وجودیکه نیل به این هدف دشوار است. حالا دولت ها باید تدابیر تعیین کننده ای اتخاذ نمایند.

تمام

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
: دلیکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ